

زندگی شرقی‌ها در نقاشی غربی‌ها

استعمار کشورهای شرقی توسط برخی کشورهای اروپایی در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی در کنار آثار سیاسی و اجتماعی گوناگون، پیامدهایی در حوزه هنر و تولیدات هنری کشورهای اروپایی داشت.



استعمار کشورهای شرقی توسط برخی کشورهای اروپایی در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی در کنار آثار سیاسی و اجتماعی گوناگون، پیامدهایی در حوزه هنر و تولیدات هنری کشورهای اروپایی داشت. یکی از این تأثیرات را می‌توان در گسترش چشمگیر رویکردی در هنر نقاشی غرب، بویژه در کشورهایی مانند فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آلمان دید که از آن با عنوان Orientalist Painting یاد شده است.

رامین حاجیان‌فرد - پژوهشگر و مدرس حوزه هنر - حاصل چند سال پژوهش خود را در زمینه‌ی چنین آثاری در مقاله‌ای با عنوان «خاورنگاری فرانسوی: دیدگاه‌های استعماری یا رویکردی هنری؟» منتشر کرده است.

حاجیان‌فرد دانشجوی مقطع دکتری در رشته‌ی تمدن اسلامی و جهان با گرایش هنر اسلامی در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی (IIUM)، مؤسسه تحقیقات بین‌المللی علوم، اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ISTAC) است. گرایش اصلی حاجیان‌فرد هنر نگارگری هند در دوره‌ی گورکانیان هند است و پایان‌نامه‌ی دکتری او نیز در همین راستا به نگاره‌های موجود در نسخه‌های خطی «رامایانا» که در دربار گورکانیان هند تولید شده است، می‌پردازد.

این پژوهشگر در یادداشتی درباره‌ی این نگاره‌ها که آن را در اختیار خبرنگار بخش هنرهای تجسمی ایسنا قرار داده، نوشته است: در دوران تحصیل در «ایستک» دیدم که نسخه‌هایی از آثار برخی هنرمندان غربی با مضامینی از فرهنگ و زندگی مردم خاورمیانه و شمال آفریقا آذین‌گر این مؤسسه‌ی معتبر بوده و مورد بازدید سران کشورهای خارجی و مقامات دولتی کشور مالزی قرار داشته است، بدون آن‌که تلاشی برای شناسایی آثار یادشده به عمل آمده باشد. برای همین تصمیم گرفتم که به‌عنوان به‌هواه، حاند، به مطالعه شناساد، اد، آتا، بداخته از همان، حاند که با سک اد، آتا، آشنا به آن، علاقه‌مند شدم. نقاشی غربی‌ها از کشورهای شرقی

آثار یادشده با وجود آن‌که بخش مهمی از خزانه‌ی هنری تاریخ غرب، بویژه در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی به‌شمار می‌آید، در کتاب‌های مرجع تاریخ هنر چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در ایران نیز چنین آثاری با عنوانی مشخص شناخته نشده بود و از این رو تصمیم گرفتم که علاوه بر معرفی آن‌ها، به تخصیص واژه‌ای مناسب برای این سبک هنری در زبان پارسی مبادرت ورزم. به همین دلیل، واژه‌ی «خاورنگاری» را به عنوان معادلی برای Orientalist Painting معرفی کردم و در مقاله‌ی یادشده در نقدنامه هنر به مهم‌ترین بخش از این خزانه‌ی بحث‌برانگیز هنری که در کشور فرانسه تولید شده است، پرداخته‌ام.

بحث‌برانگیز بودن این آثار از آنجا است که برخی از اندیشمندان از جمله ادوارد سعید بر این باور بوده‌اند که آثار یادشده هم‌راستا با سیاست‌های استعماری کشورهای غربی است و به نوعی باورهای برتری‌جویانه‌ی غربی‌ها نسبت به ملل خاوری را مورد تأیید قرار می‌دهد. هم‌گام با سعید، «لیندا نوچلین» نیز بر این باور بوده که خاورنگاری مانند ابزاری در دست هنرمندان غربی، به تأیید سیاست‌های استعمارجویانه‌ی دولت‌های متبوع‌شان پرداخته است.

هنر خاورنگاری از لحاظ موضوع به پنج دسته‌ی رخدادهای تاریخی، چشم‌اندازها و بناهای تاریخی، زندگی روزمره، شخصیت‌های دولتی و نظامی و موضوعات مذهبی تقسیم می‌شود.

عده‌ای از هنرمندان مشغول به این سبک، با تلاشی چشمگیر به سفر به سرزمین‌های خاوری اقدام کرده‌اند تا آنچه را که از نزدیک مشاهده می‌کردند بر بوم‌های خود بازتاب دهند. این آثار در سده‌های یادشده همچون رسانه‌ای شایسته و مورد توجه، ابزاری مناسب برای آشنایی مردم باختری با مردم خاورزمین بود. اروپایی‌ها با مشاهده‌ی نقاشی‌ها به حوزه‌هایی نو در معرفت و آشنایی با دیگر مردم دست یافتند و از سویی دیگر، همین اقبال و توجه، هنرمندان باختری را برمی‌انگیخت که به خلق چنین آثاری مبادرت کنند. هرچند برخی از آن‌ها موفق به سفر به سرزمین‌های خاوری نشده و شیوه‌های زندگی مردم آنجا را از نزدیک ندیده بودند.

نقاشی غربی‌ها از کشورهای غربی

یکی از ویژگی‌های قابل توجه این نقاشی‌ها، سبک واقع‌گرایانه‌ی آن‌ها است. به این ترتیب، هنرمند مورد نظر تلاش می‌کرد هر آنچه را که می‌دید یا می‌شنید با شیوه‌ای واقع‌گرایانه یا رئالیستی خلق کند. شاید بتوان این نقاشی‌ها را قابل مقایسه با فیلم‌های مستندی دانست که در دوره‌ی معاصر تولید می‌شوند. از این رو، حتی در پاره‌ای از این نقاشی‌ها می‌توان به اطلاعاتی دست یافت که راهگشای پژوهشگران حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی گرفته تا هنری و معماری شده است.

البته نباید فراموش کرد که همین رویکردهای واقع‌گرایانه در دست برخی از هنرمندان گاه با اغراق‌هایی نیز همراه بوده، رویکردی که دست‌مایه‌ی انتقادهای گزنده‌ی اندیشمندانی همچون ادوارد سعید و لیندا نوچلین قرار گرفته است.

علاوه بر تحلیل موضوعات و انگیزه‌های موجود در خلق این آثار، نویسنده به آثاری از هنرمندان فرانسوی مشهور این سبک همچون ژان لئون ژرومه، ژان آنتوان گروس و اوژن دلاکراو اشاره کرده است. شاید ژان لئون ژرومه را بتوان مشهورترین نقاش فرانسوی معرف این سبک دانست که دست‌مایه‌ی بیشتر آثارش برگرفته از شیوه‌ی زندگی مردم خاورزمین است.

در مجموع، بر این باور هستم که برای بررسی و قضاوت درباره‌ی نقاشی‌های خاورنگارانه باید با نگاهی محتاط تر به موضوع

پرداخته و از قرار دادن تمام خاورنگاران در یک وزنه و قضاوت در مورد آن‌ها پرهیز کرد. نتیجه این‌که به نظر می‌رسد در مواجهه با هنر خاورنگاری، به‌جای آن‌که نگاهی کلی و فراگیر براساس دیدگاهی خاص - مثبت یا منفی - را اصل قرار دهیم، شایسته‌تر آن است که با نگاهی دقیق‌تر به شرح و تفسیر آثار مختلفی که در این راستا خلق شده پردازیم و در ارزیابی‌هایی که از آثار مذکور به عمل می‌آید، به تفاوت‌های موجود در انگیزه‌ها و شیوه‌های انعکاس واقعیت‌های تلخ و شیرین موجود در آن‌ها اقدام کنیم. شاید در برخی از نقاطی که این آثار در سده‌های پیشین به انعکاس وضعیت‌شان پرداخته‌اند، هم‌اکنون نیز پس از گذشت سده‌ها، تلخی ویرانی‌ها و قحطی و جنگ و آشوب و فقر فرهنگی چندان مضامین شیرینی برای استناد هنرمندان به آن فراهم نیاورند.

رامین حاجیان فرد متولد سال 1348 در تهران و دانشجوی مقطع دکتری در رشته «تمدن اسلامی و جهان / گرایش هنر اسلامی» در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی (IIUM) است. او در دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد 47 تهران تدریس می‌کند.